

تصحیح تازه یکی از کهن ترین نمونه‌های نثر فارسی وارد بازار کتاب شد

«مقدمه شاهنامه ابومنصوری»

کتاب «مقدمه شاهنامه ابومنصوری»، با تصحیح و تحقیق سیدعلی محمودی لاهیجانی، از سوی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب منتشر شد. به گزارش خبرگزاری مهر، شاهنامه ابومنصوری به فرمان ابومنصور محمدبن عبدالرزاق، حاکم طوس و با نظارت وزیر او ابومنصور المعمری در فاصله سال‌های ۳۴۰ تا ۳۴۶ هجری قمری گردآوری شد. تنها بخش برجای مانده از این کتاب، مقدمه‌ای است که کوشش گروهی از دهقانان و فرزنانگان خراسان برای گردآوری روایت‌های کهن از تاریخ شاهان ایران، از آغاز پادشاهی کیومرث تا پایان دوره ساسانیان، را نشان می‌دهد. این مقدمه یکی از کهن‌ترین نمونه‌های نثر فارسی به شمار می‌رود و از نظر لغوی، دستوری و ادبی ارزشی ویژه دارد و نشان‌دهنده تداوم سنت‌های تاریخ‌نگاری در دوره اسلامی است.

در این کتاب، با تکیه بر یازده نسخه کهن و معتبر شاهنامه فردوسی، تصحیح تازه‌ای از مقدمه شاهنامه ابومنصوری ارائه شده است. در بخش پژوهشی کتاب، زندگی سیاسی و تاریخی ابومنصور محمدبن عبدالرزاق، منابع احتمالی شاهنامه ابومنصوری و شیوه گردآوری و روایت آن نیز تحلیل شده است.

محمودی لاهیجانی، مصحح متن، درباره ضرورت این تصحیح نوشته است: آنچه امروز از کتاب شاهنامه ابومنصوری باقی مانده تنها مقدمه‌ای است که آن را علامه قزوینی حدود صد سال پیش با جمع‌آوری و مقابله نسخه‌های موجود تصحیح کرد. این مقدمه تا امروز یکی از کهن‌ترین نثرهای تاریخ‌دار زبان فارسی محسوب می‌شود، اما با گذشت یک قرن از تصحیح ایشان و با یافتن نسخه‌های متعدد از شاهنامه فردوسی نگاهی دوباره به این متن کهن و تصحیح و بازنگری آن سودمند خواهد بود.

این کتاب در ۲۲۸ صفحه و با قیمت ۴۱۰ هزار تومان منتشر شده است.

جلد دوم یادداشت‌های روزانه جلال آل احمد

پناهگاهی برای حرف‌هایی که نمی‌شود زد

در ادامه انتشار یادداشت‌های منتشر نشده نویسنده مشهور، جلد دوم «یادداشت‌های روزانه جلال آل‌احمد»، از سوی انتشارات اطلاعات منتشر شد و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت.

این کتاب به‌وسیله محمدحسین دانایی-خواهرزاده آل‌احمد، تدوین و آماده چاپ شده است. خبرگزاری تسنیم در این باره نوشته است: این کتاب که به نوعی کارنامه شفاف جامعه روشنفکری کشور در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ شمسی به‌شمار می‌رود، مشتمل بر خاطرات جلال آل‌احمد در فاصله آذر ۱۳۳۷ تا آذر ۱۳۳۹ است و بسیاری از پشت‌پرده‌های نهادهای فرهنگی و روابط فی‌مابین دست‌اندرکاران فعالیت‌های هنری و ادبی معاصر را به قلم تند و تیز این نویسنده نامدار روایت می‌کند.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «اوایل امر این دفتر را شاید از روی مُد نگه می‌داشتم... بعد به عنوان یک تکلیف بارِ دوشم شده بود و حالا احساس می‌کنم مفزّی است، پناهگاهی برای حرف‌هایی که نمی‌شود، یا نباید زد، که اگر بزنی، بی‌ادبی، یا خشنی، یا ضعیفی، یا هزار عیب شرعی و عرفی دیگر داری، به این مناسبت، تازه این باطیل دارد جای خودش را باز می‌کند و اصالت پیدا می‌کند، و چه بهتر...» مجلدات بعدی این یادداشت‌ها نیز به‌زودی منتشر خواهند شد.

کتاب تازه نشر نی در حوزه پژوهش‌های اجتماعی منتشر شد

سفر به قربت غربت‌ها

در ازدحام چهارراه‌های تهران و کوچه‌های تنگ مازندران، جهانی پنهان نفس می‌کشد، جهانی که اغلب با واژه‌هایی چون «کولی» و «حاشیه‌نشین» تحقیر شده است. سفر به قربت غربت‌ها حاصل سال‌ها حضور میدانی میترا اسفاری در دل این جهان است، پژوهشی قوم‌نگارانه که نه از سر تحرم، بلکه با رویکردی بیدارشناسانه و نگاهی انسانی، زیست روزمره غربت‌ها را روایت می‌کند.

این کتاب مرز میان زندگی رسمی شهری و زندگی غیررسمی شهری را درمی‌نوردد و ما را با صداها، آیین‌ها و خاطرات مردمانی روبه‌رو می‌کند که در سکوت و به شکلی نامرئی هویت خود را ساخته‌اند. پژوهش اسفاری نشان می‌دهد که فهم پدیده‌هایی چون تكدی‌گری، کار کودک و دست‌فروشی تنها در پرتو شناخت شبکه‌های خویشاوندی، ارزش‌ها و کشمکش‌های هویتی این گروه‌ها معنا می‌یابد.

میترا اسفاری با حضور طولانی‌مدت در میان غربت‌ها روایت‌هایی زنده از کودکان کار، زنان دست‌فروش و شبکه‌های خویشاوندی‌شان ارائه می‌دهد. این روایت‌ها تصویر ما از شهر و حاشیه را به چالش می‌کشد. این کتاب نه تنها منبعی ارزشمند برای پژوهشگران علوم اجتماعی است، بلکه خواننده غیرمتخصص را هم به سفری انسانی و تکان‌دهنده در دل واقعیت‌های پنهان دعوت می‌کند.

در بخشی از پیشگفتار این کتاب می‌خوانیم: «در این میان، تصور کرده‌اند زنانی که با دود کردن اسفند گدایی می‌کنند «کولی»‌اند. این نام‌گذاری البته بسیار گنگ و نامودی از تصویری تخیلی و ساختگی است که در ذهن رهگذران وجود دارد. در باور عمومی، زنانی که به کولی مشهورند به گروه‌های «دوره‌گرد» و «ولگرد» تعلق دارند که تابوشکن و هنجارشکنند. داشتن توانایی جادوگری نیز به این زنان نسبت داده می‌شود. لباس‌های رنگارنگ و نامنظم، پای برهنه، لپچه‌ای خاص، دست‌فروشی، گداپیشگی و فال‌گیری معمولاً ویژگی‌هایی است که این زنان را در دسته‌بندی «کولی» قرار می‌دهد. در برخی روایت‌ها، دزدی و فحشا را نیز به ایشان نسبت داده‌اند.» نشر نثری «سفر به قربت غربت‌ها» را در ۵۸۶ صفحه و با قیمت ۸۸۰ هزار تومان منتشر کرده است.

شهریار

۲۴ آذر ۱۴۰۴
شماره ۴۴۳
شماره ۴۴۳

۱۰



فرهنگ و ادبیات

زمزمه‌هایی برای آرام‌کردن جهان

گفت‌وگو با زهرا داوری درباره کتاب «شیرین‌تر از خواب» و جایگاه لالایی در ادبیات کودک

محبوبه عظیم‌زاده| زهرا داوری، سال‌هاست که جهان کلماتش را با دنیای کودکان و نوجوانان گره زده است؛ جهانی که در آن خواب و خیال و واژه‌ها کنار هم نفس می‌کشند. در کارنامه او کتاب‌هایی چون «یک قاچ هندوانه»، «خدای دست‌ودل باز»، «خواب من پرنده است»، و «به‌به و بی‌بی‌پ» دیده می‌شود. آثاری که هرکدام به‌نوعی رد پای نگاه لطیف او را در خود دارند. تازه‌ترین کتاب این شاعر، با عنوان «شیرین‌تر از خواب»، نیز ادامه همین مسیر است؛ کتابی که این بار به سراغ یکی از صمیمی‌ترین صداهای



کودکی، یعنی لالایی‌ها رفته است. «شیرین‌تر از خواب»، که به‌تازگی از سوی نشر رود آبی منتشر شده است، لالایی‌ها را نه فقط به‌عنوان آوازهایی برای خواب، بلکه به‌مثابه نخستین تجربه‌های شاعرانه کودک بررسی می‌کند. صداهایی آرام که از دل مادران، مادر بزرگ‌ها و فرهنگ‌های بومی برمی‌آیند و کودک را به دنیای خواب، امنیت و خیال می‌برد. در این کتاب به پیشینه لالایی‌ها، مضامین تکرارشونده آن‌ها، پیوندشان با اقلیم و فرهنگ اقوام و اقلیت‌های دینی ایران و جایگاهشان در ادبیات کودک توجه شده است.

که در آن‌ها لالایی‌های خراسان بزرگ را بررسی خواهیم کرد که آن هم مانند «شیرین‌تر از خواب»، کار تازه‌ای است و می‌توان گفت تاکنون پیشینه‌ای نداشته است.»

همه لالایی‌ها موسیقی آرام و خواب‌آور دارند

در بین همه لالایی‌هایی که از اقوام مختلف در این کتاب گردآوری شده است چه نقطه‌های اشتراکی می‌توان پیدا کرد؟ به گفته این پژ و هشگر، در بیشتر موارد، لالایی‌ها خطاب‌انفوس مادرانه‌ای هستند که به دلیل دارا بودن لحن محزون و عاطفی و ویژگی زمزمه‌وار بودن برای خواب‌اندن کودک استفاده می‌شوند. جز این، دو مورد دیگر را می‌توان وجه مشترک همه لالایی‌ها دانست. اول اینکه همه لالایی‌ها موسیقی آرام و خواب‌آور دارند و دوم اینکه همه لالایی‌ها از طرف بزرگ‌ترها برای بچه‌ها سروده شده‌اند. این نقاط اشتراک، البته وقتی به لایه مفاهیم و مضمون می‌رسد، با عنوان دیگری مطرح می‌شود. دسته‌ای از لالایی‌ها پای‌گهواره به آواز یا زمزمه درونی برای تخلیه روحی خوانده



بیشتر موارد، لالایی‌ها خطاب‌انفوس مادرانه‌ای هستند که به دلیل دارا بودن لحن محزون و عاطفی و ویژگی زمزمه‌وار بودن برای خواب‌اندن کودک استفاده می‌شوند

می‌شود. دسته‌ای دیگر لالایی‌هایی هستند که در آغوش خوانده می‌شود و هدفش کم کردن بی‌قراری کودک است. همچنین، لالایی‌هایی هستند که به زبان‌گیری کودک کمک می‌کنند و دسته‌ای دیگر نیز کودک را تشویق و شاد می‌کند. گلایه، جدایی، سختی، معیشت، حدیث نفس مادران، غریبی، آرزوها، تندرستی فرزند، ازدواج فرزند، آرزوی کسب قدرت و دانش برای فرزند، قربان صدقه رفتن مادر برای فرزند، دغدغه‌های مادر در درباره شرایط سیاسی و ...، همگی از مضامینی هستند که در لالایی‌ها وجود دارند.

کودک را آرام‌آرام به خواب می‌برد.

مقدمه کتاب را مصطفی رحماندوست نوشته و در بخش لالایی‌های معاصر، درس‌گفتارهایی از او آمده است؛ متن‌هایی آموزشی برای شاعرانی که می‌خواهند با زبان لالایی، به جهان لطیف کودکان نزدیک شوند و از دریچه شعر، آرامش و خیال را به آن‌ها هدیه دهند. انتشار «شیرین‌تر از خواب»، پهنه‌ای شدت‌تأپای گفت‌وگویی کوتاه با زهرا داوری بنشینیم: گفت‌وگویی درباره لالایی‌ها، خاطره‌های مشترک کودکی و دنیایی که با زمزمه‌ای ساده، کودک را آرام‌آرام به خواب می‌برد.

وقتی مادر می‌خواند...

آیا کارکرد لالایی صرفاً آرام کردن و خواب‌اندن بچه است؟ داوری ضرورت‌ها و کارکردهای زیادی را برای لالایی‌ها برمی‌شمرد: القای حس آرامش و امنیت، پرورش توانایی تصویرسازی ذهنی، ایجاد ارتباط عاطفی قوی میان مادر و کودک، تقویت احساسات در کودک، آماده‌کردن کودک برای خواب راحت، ارتباط‌پذیر کردن و اجتماعی کردن کودک، آماده‌کردن



مرگ مؤلف، تولد پرامیت

ادبیات الکترونیک و بازخوانی یک نظریه در عصر هوش مصنوعی

به‌خصوص مدل‌های زبانی بزرگ هوش مصنوعی که الان باهاش قصه نوشتم، نبود. حرفش همیشه در حد یک ایده باقی می‌موند. در این مدل‌ها، البته ما دیگه فقط متن رو تفسیر نمی‌کنیم؛ بلکه به صورت عملی و مادی، خودمتن رو تیکه‌تیکه می‌کنیم و از نومی چینیم. منظورم اینه که «مرگ مؤلف» دیگه یک بحث انتزاعی درباره معنا نیست؛ یک واقعیت فنی هست که روی میز کافه، جلوی چشمامون داره اتفاق می‌افته...»

متن را از آنچه «استبداد مؤلف» می‌نامید، رها کند. او معتقد بود که نیت، زندگی و روان‌شناسی نویسنده نباید به قفسی برای معنای متن تبدیل شود. در جهان چاپ، این یک ایده انقلابی اما کاملاً ذهنی بود. کتاب، یک شیء فیزیکی تمام‌شده و ثابت بود. «مرگ مؤلف» در ذهن خواننده و در فرایند تفسیر اتفاق می‌افتاد، نه روی کاغذ.

را باهم جلومی‌بردیم. به‌پایان داستان که رسیدیم، سارا گفت: «نه، این پایانش خیلی تلخه، عوض کن». پایانش را عوض کردم. در عرض چند دقیقه، چنان غرق در کارگردانی داستانمان شده بودیم که کم‌کم داشت هدف اصلی یاد می‌رفت.

وقفه کوتاه‌چیده‌شدن دونات شکلاتی و چای روی میز، مرا به خود آورد و رسالت علمی‌ام را به یادآوردم. دستم را به نشانه توقف بالا بردم و گفتم: «صبر کن! حالا یک سؤال: نویسنده این داستان کیست؟» سارا مکتی کرد و گفت: «خب... هر دومیون؟ یا شاید هیچ‌کدوم؟»

لیخندی زدم و گفتم: «دیدی؟ این همون

حلقه است که می‌خواستم بهش برسم.

یادت هست می‌گفتی بالاخره یکی باید

کتاب رو بنویسه؟ بارت وقتی از "مرگ مؤلف"

حرف می‌زد، منظورش این بود که نویسنده

کارش با نوشتن تمام می‌شه و بعد از اون، این

خواننده ست که با "تفسیر" خودش به متن

معنا می‌بخشه. اگر انقلاب‌های تکنولوژیک و

نیم‌قرن اخیر، از ظهور کامپیوترهای شخصی و

برنامه‌نویسی قاعده‌بنیاد تا یادگیری ماشین و

اما هوش مصنوعی این بازی را از جهان ذهن به جهان ماده کشانده است. متن در تعامل با یک مدل زبانی بزرگ، دیگر یک شیء ثابت نیست، بلکه یک «امکان» سیال است. او دیگر یک مجسمه تمام‌شده نیست که ما تنها توانیم از زوایای مختلف به آن نگاه کنیم؛ او توده‌ای از گِل رس است که هر لحظه آماده است تا با داستان ما شکل جدیدی به خود بگیرد. در این فرایند، «خواننده» صرفاً یک مفسر نیست، بلکه یک «هم‌آفرین» است.

اینجاست که نقش نویسنده نیز به کلی دگرگون می‌شود. اگر مؤلف به معنای کلاسیک کلمه مرده است، در عوض، «مهندس پرامیت» متولد شده است. خلاقیت در این دنیای جدید، دیگر لزوماً در آفرینش کلمات از عدم نیست، بلکه در هنر پرسیدن سؤال درست، در ظرافت هدایت کردن یک گفت‌وگو و در معماری یک زمینه‌فکری است که ماشین‌را به سمت خلق اثری معنادار سوق دهد. نویسنده به یک کارگردان بدل شده که به جای بازیگر، بایک هوش غیرانسانی کار می‌کند؛ هوشی که تمام نمایشنامه‌های تاریخ را خوانده، اما هیچ درکی از عشق، نفرت یا مرگ ندارد. بنابراین، آن رابطه دوگانه قدیمی «نویسنده-خواننده» حالا به یک مثلث پیچیده و جدید «نویسنده-ماشین-خواننده» بدل شده است. ماشین در این میان، یک واسطه خنثی و نامرئی نیست.